



Y A D E G A R

وزارتخانه‌ی شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز

شماره‌ی نخست / مهر ۱۳۹۴

شصتینمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز



سخن سردبیر: و اما «یادگار...»



و اما «یادگار...» دانشگاه شهید چمران اهواز شصت‌ساله شد تا هر آنچه از گذشته‌های این مرکز بزرگ علمی و آموزشی به یادگار مانده است، باهم مرور کنیم؛ باشد تا بدانیم کجا هستیم و هر چه بیشتر و بهتر میراث‌دار گذشتگان باشیم. به همین مناسبت بناست تا پایان سال با «یادگار» همراه باشیم و هر شماره‌ی این نشریه را با موضوعی متفاوت به دست شما دانشگاهیان برسانیم. تقارن آغاز سال تحصیلی با هفته دفاع مقدس مجال شد تا از یاران حماسه‌ساز، یاد کنیم. از این‌رو نخستین شماره‌ی «یادگار» را با افتخار به قهرمانان میهن و شهیدای دانشگاه تقدیم می‌کنیم.

جنگ در جنوب نقشه شعله‌ور شده بود. این را می‌شد از بی‌تابی اروند و کارون، از گریه‌های ممتد کودکان بی‌مادر، از نخل‌های سوخته‌ی بی‌سر، از کمر شکسته‌ی پل به تماشا نشست! آمده بودند تا روی خاک خوزستان جشن بگیرند و خرمای خوزستان را به سلامتی صدام خیرات کنند. آمده بودند تا عصای نفت را از دست تهران بگیرند! آمده بودند که بنویسند به عراق خوش آمدید! آمده بودند که بمانند...

ما که چیزی برای از دست دادن نداشتیم، مانده بودیم! مانده بودیم که از جنازه‌هایمان سنگر بسازیم! مانده بودیم که خودمان باشیم. مانده بودیم که خم به ابروی ایران نیاید و با لهجه‌ی مادری فریاد زدیم: خوزستان فدای سر ایران...

ماندیم اما جنگ، برادرهایمان را از ما کسر کرد. «ابراهیم»‌هایی که در آتش جنگ، ققنوس‌وار به میدان جنگ آمدند و میدان‌دار شدند و اکنون میدان‌دار گود مردانگی و ایثارند. شهیدان، زیباترین شکل زیستن را انتخاب کردند و برای آزادی وطن، کوله‌بار وصل را به دوش کشیدند و از اوج خاک‌ریزها به آسمان پریدند... جنگ، الفبای غیرت و عشق بود! ملکوتی که فرصت جان به دست آوردن بود نه جان از دست دادن... شهیدان، دانش آموزان این مدرسه بودند! مدرسه‌ی امروز من و شما که باید در آن الفبای غیرت و عشق بیاموزیم...

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

یادگار

شصت‌مین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز

Y A D E G A R

ویژه‌نامه‌ی شصت‌مین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز



دانشجویان شهید سر آمدان ایمان و ایثار آگاهانه



عارفانه‌های یک چریک

بخشی از یادداشت‌های شهید دکتر مصطفی چمران:



امام خمینی (ره): خوزستان دین خود را به اسلام ادا کرد...



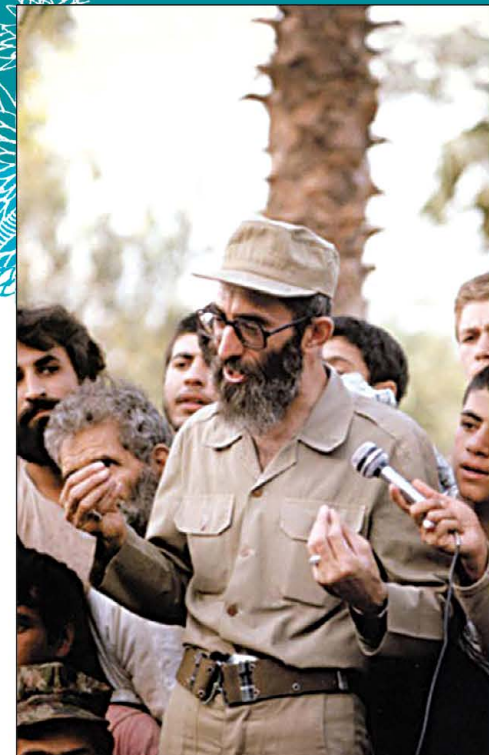
خوزستان دین خودش را به اسلام ادا کرد، برای اسلام و برای ارزش‌های انسانی و برای شرافت خود و کشور خود کوشش کرد و کوشش می‌کند و مردانه ایستاده است و شهدای بزرگوار خود را نزد خدای تبارک و تعالی فرستاد. خوزستان در این عرصه‌ی تهاجم باطل به حق و دفاع حق و در برابر باطل پیش‌قدم است و اسوه است از برای سایر اهالی کشور؛ غرب و جنوب اسوه هستند از برای سایر کشور...

مبارک باد بر اهالی خوزستان و بر اهالی جنوب و غرب این خدمت‌گزاری و این جان‌نثاری و این پایداری. کسانی که در آن‌جا رفت و آمد دارند و برای این طرفی‌ها صحبت می‌کنند از روحیه عظیم و بزرگ شما اهالی خوزستان و اهالی جنوب و غرب صحبت‌های زیاد می‌کنند و شما را به این روحیه بزرگ ستایش می‌کنند و من امیدوارم که ملت ایران با این روحیه بزرگی که دارد به تمام قدرت‌های فاسد غلبه کند و من امید آن دارم که به‌زودی کشور ما از لوث این جنایت‌کاران پاک شود و دوستان ما در هر جا هستند به محل خودشان برگردند. و تنفر و عیب بر دشمنان اسلام و دشمنان شما و رحمت و عزت و شرف بر شما برادران و خواهران و رحمت بر شهدای شما.

امام راحل (ره) - ۱۳ فروردین ۱۳۶۰

هنگامی که به نام دانشجوی شهید می‌رسیم، این یقین در ما پدید می‌آید که پذیرش شهادت و اقدام به جهادی که بدان منتهی شده، از سر خود آگاهی و با اراده‌ی روشن‌بینانه بوده است و این ارزش عمل را مضاعف می‌کند و بدین دلیل است که دانشجویان شهید که در شمار سرآمدان ایمان و ایثار آگاهانه بوده‌اند ستارگان همیشه درخشان هستند که هر جویای حقیقت می‌تواند راه خویش را با آنان بیابد. امروز دشمنان کمین‌گرفته‌ی نظام اسلامی ما با شیوه‌های گوناگون برآنند که رونق جهاد و شهادت را در چشم مردم ما به‌خصوص جوانان و به‌ویژه دانشجویان بشکنند و این برای کسانی که عادت کرده‌اند با راحت‌طلبی و تغذیه از ذخیره‌ی شرف و شجاعت و غیرت مجاهدان سرافراز، زندگی را بگذرانند بسی مطبوع و دلنشین است؛ پس آنان نیز دانسته یا نادانسته به این خط مشی خصمانه کمک می‌کنند. توصیه‌ی این جانب به شما دانشجویان عزیز و همه‌ی جوانان عزیز این کشور آن است که این عامل قدرت ملی و شاخص ایمان خالصانه را از دست ندهید و آنرا بزرگ بشمارید. شهیدان سرافراز خود را تجلیل و تقدیس کنید، آخرین وصایای آنان را که غالباً رشحاتی از فیض و هدایت الهی است با چشم تدبیر بخوانید. ابزار قدرت خود را از دست ندهید آن‌را به کار بیاندازید و به کمک و حمایت الهی امیدوار باشید. والسلام علیکم و رحمه الله

رهبر معظم انقلاب - دی‌ماه ۱۳۸۱



بسم الله الرحمن الرحیم
شهادت بدین معنا است که یک انسان برترین و محبوب‌ترین سرمایه‌ی دنیوی خویش را نثار آرمانی سازد که معتقد است زنده ماندن و بارور شدن آن، به سود بشریت است و این یکی از زیباترین ارزش‌های انسانی است. و آنگاه که آرمان مطلوب او الهی و آرزوی همه‌ی پیامبران خدا است، این ارزش، در صدر همه‌ی نیکی‌های بشری قرار می‌گیرد و در هیچ ترازوی مادی نمی‌گنجد. پذیرش این تفکر همان عامل خیره‌کننده‌ای است که به مجاهدان راه حقیقت، نیرویی برای باطل ساختن همه‌ی محاسبات جبهه‌ی خصم می‌بخشد و چنانکه به تجربه دانسته شده است، دشمن حقیقت را دچار بن‌بست و عجز و حیرت می‌سازد.

شهادت بدین معنا است که یک انسان برترین و محبوب‌ترین سرمایه‌ی دنیوی خویش را نثار آرمانی سازد که معتقد است زنده ماندن و بارور شدن آن، به سود بشریت است و این یکی از زیباترین ارزش‌های انسانی است.



درد، دل آدمی را بیدار می‌کند، روح را صفا می‌دهد، غرور و خودخواهی را نابود می‌کند، نخوت و فراموشی را از بین می‌برد، انسان را متوجه وجود خود می‌کند.

انسان گاهگاهی خود را فراموش می‌کند؛ فراموش می‌کند که بدن دارد، بدنی ضعیف و ناتوان که در مقابل عالم و زمان کوچک و ناچیز و آسیب‌پذیر است؛ فراموش می‌کند که همیشگی نیست و چند صباحی بیشتر نمی‌پاید. فراموش می‌کند که جسم مادی او نمی‌تواند با روح او هم‌پرواز شود، لذا این انسان احساس ابدیت و مطلقیت و غرور و قدرت می‌کند، سرمست پیروزی و اوج آمال و آرزوهای دور و دراز خود، بی‌خبر از حقیقت تلخ و واقعیت‌های عینی وجود، به پیش می‌تازد و از هیچ ظلم و ستم روگردان نمی‌شود.

خدایا! تو را شکر می‌کنم که با فقر آشنایم کردی تا رنج گرسنگان را بفهمم و فشار درونی نیازمندان را درک کنم. خدایا! هدایت‌م کن، زیرا می‌دانم که گمراهی چه بلای خطرناکی است.

خدایا! هدایت‌م کن که ظلم نکنم، زیرا می‌دانم ظلم چه گناه نابخشودنی است. خدایا! ارشادم کن که بی‌انصافی نکنم، زیرا کسی که انصاف ندارد، شرف ندارد. خدایا! راهنمایم باش تا حق کسی را ضایع نکنم که بی‌احترامی به یک انسان همانا کيفر خدای بزرگ است. خدایا مرا از بلای غرور و خودخواهی نجات ده تا حقایق وجود را ببینم و جمال زیبای تو را مشاهده کنم. خدایا! پستی دنیا و ناپایداری روزگار را همیشه در نظرم جلوه‌گر ساز تا فریب زرق و برق عالم خاکی مرا از یاد تو دور نکند. خدایا من کوچکم، ضعیفم، ناچیزم، پر کاهی در مقابل طوفان‌ها هستم. به من دیده عبرت‌بین ده تا ناچیزی خود را ببینم و عظمت و جلال تو را به‌راستی بفهمم و به‌درستی تسبیح کنم.

مصطفی چمران





پیام دکتر سیدضیاء هاشمی، معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: دفاع مقدس عقل و عشق را قرین یکدیگر ساخت

تاریخ انقلاب اسلامی مردم ایران، سراسر مملو از رخ دادهایی است که هر کدام تجلی غیرت و همت بزرگمردانی است که برای پاسداری از اسلام و ایران به پا خاسته‌اند و تا پای جان بر عهد خویش استوار مانده‌اند.

هر قشری از جامعه نقشی در کاشت این نهال نوپا داشته و برای نگاهداشت آن سهم خویش را ایفا نموده است و این همه موجب گردیده که انقلاب اسلامی ایران مردمی‌ترین انقلاب جهان نام بگیرد.

دفاع مقدس هشت ساله مقطعی از تاریخ است که تمامی داشته‌ها و آورده‌های انقلاب بزرگ ملت ایران را متجلی می‌سازد. جوانانی که از سایه سنگین و رخوت‌زده حکومت ستم‌شاهی بیرون آمده بودند، گویا انتظار انقلاب و جهادی را می‌کشیدند تا نشان دهند چگونه می‌توانند شور و شعور اسلامی و ایرانی خویش را به منصف ظهور برسانند و متعهدانه و هوشمندانه با جوششی انقلابی و شوری عاشورایی در برابر رژیم غاصب بعثی بایستند و نشان دهند چگونه می‌توانند تصور واهی صدام مبنی بر تصرف سه‌روزه‌ی تهران را بدل به کابوسی هشت‌ساله کنند و دفاع مقدس را برای خود به دوره‌ی انسان‌سازی تبدیل سازند.

دفاع مقدس ما عرصه‌ای بود که عقل و عشق را قرین یکدیگر ساخت و تنها زمانی می‌بایست به فتح الفتوح بدل شود که این دور را با یکدیگر همراه و توأمان سازد. دفاع مقدس تنها با به‌کارگیری دانشی به ثمر می‌رسد که یک دانشگاهی متعهد می‌توانست به ارمغان آورد و چه زیبا و نیکو، دانشگاه، همچون قشری از اقشار ملت بزرگ ایران، پیشرو این کارزار ملی گردید. دانشگاهی که در دوران ستم‌شاهی بلای جان حکومت شده بود و مزدوران تلاش می‌کردند با هر ترفندی آن را رام خویش سازند، در دوران انقلاب شکفتن گرفت و پیش از هر مطالبه‌ای، جوانان متعهد و متخصص را روانه‌ی جبهه‌ها کرد تا بتوانند با به‌کارگیری دانش خویش، رژیم تا

سیدضیاء هاشمی

با درود به روان پاک شهدا و جانبازان دانشجو و فارغ‌التحصیل دانشگاه شهید چمران اهواز که بی‌شک گران‌قیمت‌ترین سرمایه‌های این نهاد علمی در مسیر بالندگی و رشد و اقتدار جمهوری اسلامی ایران هستند.

اکنون حاصل و نتیجه شش دهه کوشش و زحمات استادان، دانشجویان و کارکنان دانشگاه شهید چمران اهواز در زمینه پرورش و آموزش، در هزاران دانش‌آموخته‌ی انقلابی و نیروی کارشناس و مدیران دستگاه‌های اجرایی دولتی و خصوصی متبلور شده است.

دانشگاه یکی از مهمترین نهادهای قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران است. نگاه ویژه بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و در حال حاضر مقام معظم رهبری مبنی بر توجه همه دستگاه‌ها به دانشگاه و همچنین توصیه به حضور مسئولان در میان دانشجویان مطالبه‌گر، برآمده از عمق نگاه راهبردی و خاصیت تمدن‌سازی نهفته در دانشگاه است؛

پیام دریادار علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز



لذا بازنگری و مرور تجارب شصت ساله که طی آن نسل‌های متعددی تربیت و به جامعه تقدیم شده‌اند، فرصتی فراهم خواهد آورد تا بر نقاط قوت بیش از گذشته تأکید شده و نقاط ضعف احتمالی نیز اصلاح شود.

دانشگاه شهید چمران اهواز در حوزه تربیت و رشد دانشجویان و نخبگان پیشرو انقلابی همواره در زمره دانشگاه‌های برتر قرار داشته است. مهمترین نقاط قوت این دانشگاه، پیوند میان علم و فرهنگ است که برخاسته از روحیه‌ی مردم خوزستان و به ویژه فرهنگ حماسی و ایثارگری آنان است. اگر دانشگاه، یک دانشگاه علمی محض و خالی از دین باشد، نه تنها برای آینده کشور مفید نخواهد بود، بلکه در زمان مورد نیاز نیز اولویت‌ها را تشخیص نخواهد داد و از کاربری تخصصی خود باز خواهد ماند.

دانشگاه شهید چمران اهواز در طول هشت سال دفاع مقدس پا به پای مردم دلیر و آگاه به زمانه خود همچون سربازان گمنام امام زمان (عج) در مقابل تمامی ابرقدرت‌ها از هویت

اسلامی- ایرانی دفاع کرد و به عنوان پایگاهی مقتدر در امر ساماندهی، تدارکات و اعزام نیروها به جبهه‌های مقدس نقش آفرینی کرد.

همگام با بازسازی خوزستان پس از جنگ، دانشگاه نیز باید خود را بازسازی و بروزرسانی نموده و با عزمی جهادی، دستیابی به افق‌های ترسیم شده در علم و فناوری و پرورش نخبگان میهن‌دوست را به عنوان هدف و اولویت خود قرار دهد.

در عین حال باید دانست مسیر انقلاب اسلامی به‌ویژه در ابعاد پیشرفت علمی هرگز متوقف نخواهد شد و امید است مسئولان و دانشجویان این دانشگاه با سرلوحه قرار دادن آموزه‌های اسلامی مبنی بر قدرت‌سازی از علم، به عنوان پشتوانه نظام اسلامی بهره برده و حرکت در مسیر سیاست‌های کلی علم و فناوری ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب را با عزمی جهادی به پیش برند.



همان‌طور که به یاد داریم، معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) بر اصلاح و بازتعریف مفاهیم و علوم پایه دانشگاهی بر مبنای اصول و قواعد اسلامی تأکید داشتند و اصلاح جامعه اسلامی را منوط به اصلاح دانشگاه دانستند.

در همین راستا لازم است گروه‌هایی جهادی با رویکردهای تخصصی در دانشگاه‌ها، حرکتی کلی به سمت این توصیه مهم را شتاب ببخشند. امید است که فرزندان انقلابی رهبر گرانقدر انقلاب در سراسر دانشگاه‌های کشور با حرکت در این مسیر به رشد و بالندگی روزافزون علمی کشور کمک کنند.

ضمن شادباش شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران، از درگاه پروردگار مهربان برای استادان، دانشجویان و کارکنان ارجمند این مرکز مهم علمی و آموزشی توفیق روزافزون خواهانم.

علی شمخانی





حجت الاسلام و المسلمین

سید محسن شفیعی

رئیس دفاتر استانی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌های

استان خوزستان:

دفاع مقدس مفهوم ترس را در ملت ما منزوی کرد



حماسه هشت سال دفاع مقدس به زعم این کمترین، بزرگترین حادثه‌ی حماسی در تاریخ امت اسلام پس از عاشورای حسینی است. این جانب بر آنم که نه پس از بعثت نبوی، حادثه‌ای به بزرگی انقلاب مقدس اسلامی داشته‌ایم و نه در پی حماسه‌ی حسینی عشقستانی چونان هشت سال دفاع مقدس.

این سرمایه بزرگ که به بهایی گران و خطیری در اختیار ماست، بسان گوهری است که اگر ناشناخته بماند از برکات و داده‌هایش در محرومیت و حرمانی کلان خواهیم ماند و چنانچه به درستی بشناسیم‌اش و آموزه‌هایش را بیابیم تا ابد جاودانه و سربلند و به عزت و افتخاری بی پایان مفتخر خواهیم بود. آنچه در ایام شورانگیز دفاع هشت ساله‌ی مقدس خلق شد کما و کیف از هر شبیه و نظیری بی بهره است و در یکدانه‌ای است که جز با گذشت زمان و با عزمی همگانی به خوبی کشف نمی‌شود و نسلی که شاهد آن و در متن آفرینشش بوده‌اند موظف و مکلفند آن را چون جان شیرین محافظت کنند و به آیندگانش بسپارند، گرچه در هر حال حماسه‌ی شورانگیز دفاع مقدس پری رویی است که تاب مستوری ندارد و در پس پرده استتار و غبار اندراس نخواهد ماند.

ملت ایران حرکت جنگ را مدیریت و به دفاع مقدس تبدیل کرد. دفاع مقدس فقط حوزه نظامی نیست، بلکه در باورهای اجتماعی، ادبیات، هنر، قرائت‌های اجتماعی و تحلیل ما از مسائل پیرامونی تأثیر گذاشته است. دفاع مقدس مفهوم ترس را در ملت ما منزوی کرد و اعتماد به نفس ما در دفاع مقدس تثبیت شد و تحریم‌ها و فشارها که روزی برگ برنده قدرت‌های مسلط منطقه بود، بی‌اعتبار و بی‌اثر شد و هیمنه آنها فرو ریخت. آن روز جوانان دانشجو، دفاع مقدس را در جبهه‌های غرب و جنوب مدیریت کردند و امروز در مراکز دانشگاهی و آموزش عالی دفاع مقدس را با علم آموزی مدیریت می‌کنند. وجود شهدای گمنام در دانشگاه شهید چمران اهواز نیز موجب افتخار است و معتقدم یادمان شهدای دانشگاه، محل اتصال زمین و آسمان و معنویت‌گستری و برکت برای همه دانشگاه است. وجود ۵ هزار شهید دانشجو در کشور نشانه افتخار جامعه دانشگاهی است و ملتی که به افتخارات خود، زیبایی‌ها و توانایی‌هایش افتخار کند، مسیر خود را با عزت و سربلندی طی خواهد کرد.

سید محسن شفیعی



دانشگاه شهید چمران اهواز در هشت سال دفاع مقدس به مرکزی برای استقرار نیروهای رزمنده تبدیل شد و نقشی بی‌بدیل در خدمات‌رسانی به جبهه‌های جنگ در بخش‌های مختلف ایفا کرد. از جمله خدماتی که در آن دوران از سوی این دانشگاه ارائه می‌شد، خدمات بیمارستانی و درمانی بود و در بیمارستان‌های دانشگاه (در آن دوران دانشگاه‌های شهید چمران و علوم پزشکی یک مجموعه بودند) و بیمارستان‌های صحرایی و آسایشگاهی که در زمان حمله در دانشکده‌ی کشاورزی راه‌اندازی می‌شد، شاهد ارائه این خدمات بودیم.

از سوی دیگر دانشکده‌ی تربیت بدنی و کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه برای استقرار رزمندگان و لشکرهای رزمی آماده شده بود و سپاه پاسداران اهواز و استان خوزستان و سپاه منطقه ۸ کشور از مهمانسرای دانشگاه استفاده می‌کردند. در هشت سال دفاع مقدس هیچ‌گاه خللی در عزم دانشجویان، اساتید و کارکنان این دانشگاه برای حضور در جبهه‌های جنگ وارد نشد و حضور آنها در عملیات‌های گوناگون در قالب گردان‌های رزمی دانشگاه چشم‌گیر بود و دانشگاه شهید چمران در آن سال‌ها شهدای بسیاری را تقدیم کرد.

در آن سال‌ها برخی دیگر از دانشجویان در دوران تعطیلی دانشگاه‌ها در نهادهایی مانند جهاد سازندگی و سپاه پاسداران در رده‌های فرماندهی، مسئول قرارگاه و فرمانده گردان حضور داشتند. در آن روزها کسی به دنبال سهم و سهم‌خواهی نبود و هرچه بود، تلاش برای آزادسازی خرمشهر از دست دشمنان بود و دانشگاه شهید چمران نیز با رشادت جوانان خود توانست سهمی در این میان داشته باشد. اکنون نیز این دانشگاه پس از سال‌ها با یاد و خاطره شهدادتها و رشادتها همواره تلاش دارد که در رشد و تعالی کشور موثر باشد.

محمد رعایایی اردکانی



دانشگاه شهید چمران، دانشگاهی که شهدای بسیاری را تقدیم کرد...

دکتر محمد رعایایی اردکانی سرپرست دانشگاه



شهر شهید چمران اهواز

دانشگاه شهید چمران اهواز

وزیرنامه شهید چمران در ۲۲ شهریور ۱۳۵۷



دکتر سیدابراهیم موسوی قهفرخی
مدیر امور دانشجویان شاهد و مشاور
رئیس دانشگاه شهید چمران اهواز در
امور ایثارگران:
وقتی دانشکده به ستاد
جنگ‌های نامنظم تبدیل
می شود

تاریخچه‌ی دانشگاه شهید چمران اهواز را می‌توان به سه دوره‌ی باستان، سال‌های ۳۴ تا ۵۷ و دوران انقلاب، شروع جنگ تحمیلی و دوران پس از جنگ تقسیم کرد.

نخستین دوره، دوران باستان از ۳۰۰ سال قبل از اسلام تا قرن سوم هجری که در این دوره، این دانشگاه از جمله بزرگ‌ترین مراکز علمی مشرق زمین و جهان به شمار می‌رفت. در آن زمان علوم از قبیل پزشکی، فلسفه، نجوم، ریاضیات، الهیات و به‌خصوص طب تدریس می‌شد. عبدالعزیز بن میمون اهوازی منجم، جورجیس، دعیل خزایی شاعر شیعه عرب و حارث بن کلدیه برزویه طبیب یوحنا بن ماسویه، عمر بن فرخان ابطری، نوبخت اهوازی، محمد بن فرازی و علی بن زیاد تمیمی در این دانشگاه تحصیل کرده بودند. اعضای خاندان جورجیس بن بختیشوع ریاست دانشگاه جندی شاپور را برعهده داشتند.

دومین دوره‌ی این دانشگاه مربوط می‌شود به سال‌های ۱۳۳۴ تا مردادماه ۵۹ که به نوعی در این دوره حیات دانشگاه آغاز می‌شود. براساس طرح جامع و اولویت‌های تعیین شده دانشگاه شهید چمران اهواز، در سال ۵۶ دارای شش مرکز، ۱۶ دانشکده و سه انستیتو بود و در طرح جامع پیش‌بینی شده بود که تعداد ۲۰ دانشکده و هفت مرکز و ۲۶ انستیتو راه‌اندازی شود. اما سومین دوره‌ی دانشگاه به زمان انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی بازمی‌گردد که به نوعی دوره‌ی سوم حیات دانشگاه شهید چمران اهواز است. در این دوره، پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی، دانشگاه به دلیل مجاورت با جبهه‌های جنگ از روزهای نخست نقش بسیار فعال و سازنده‌ای را به عهده گرفت. در سال ۵۹ با استقرار شورای عالی دفاع و ستاد جنگ‌های نامنظم با حضور مقام معظم رهبری و سردار شهید مصطفی چمران در دانشکده‌ی کشاورزی، امکانات مادی و معنوی دانشگاه در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت و دانشکده‌ی کشاورزی به محل استقرار شورای عالی دفاع، ستاد جنگ‌های نامنظم و ستاد بسیج عشایر با حضور مقام معظم رهبری و سردار شهید دکتر

مصطفی چمران و دیگر سرداران دفاع مقدس، تبدیل شد. مجتمع ورزشی و دانشکده‌ی تربیت بدنی و زمین‌های ورزشی نیز محل استقرار لشکر ۸ نجف اشرف به فرماندهی سردار شهید حاج احمد کاظمی و سوله‌ی ورزشی و مدارس دانشگاه نیز محل استقرار قرارگاه کربلا بود.

سالن تشریح دانشکده‌ی دامپزشکی و کتابخانه‌ی مرکزی به محل استقرار لشکر فجر و جهاد سازندگی فارس تبدیل شد و دانشکده‌ی علوم و امور دانشجویی و آشپزخانه نیز برای استقرار سپاه منطقه ۸ و ستاد مرکزی قرارگاه جنوب اختصاص داده شد. تعداد ۷۴ منزل دانشگاه نیز در اختیار تیپ الغدیر یزد و تیپ نثارالله کرمان بود. همچنین خوابگاه خواهران و سلف سرویس مرکزی در اختیار بسیج قرارگاه کربلا و سپاه پاسداران اهواز و استان خوزستان بود و سپاه منطقه ۸ کشوری نیز از مهمانسرای دانشگاه جهت استقرار نیروهای فرماندهی و ستاد استفاده می‌کردند.

من نیز افتخار داشتم که مدتی در قرارگاه لشکر نجف اشرف در این دانشگاه حضور داشته باشم و وقتی پس از سال‌ها از تمام جنگ برای استخدام به عنوان عضو هیأت علمی به این دانشگاه مراجعه کردم، آثار دفاع مقدس هنوز هم بر دیواره‌های کتابخانه مرکزی مشاهده می‌شد، به طوری که خاطره روزهای جنگ برای من تداعی شد. علاوه بر مکان‌های نام‌برده، دانشگاه فعالیت‌ها و خدمات مستقیمی به رزمندگان اسلام ارائه می‌داد که از جمله این خدمات می‌توان به تشکیل گردان شهید چمران که نقش به‌سزایی در ساماندهی، آموزش و اعزام اساتید، کارکنان و دانشجویان به جبهه داشت، اشاره کرد. همین‌طور طرح و ساختمان و سنگرهای مقاوم در مقابل بمباران، ترجمه متون بیگانه مورد نیاز قرارگاه کربلا، اجرای طرح شیمی و الکترونیک

شهید رجایی (دانشگاه در جبهه) طرح گذراندن ۱۲ واحد دانشجویان رزمنده، مجری طرح انفورماتیک در خدمت دفاع مقدس، طراحی و محاسبات لازم جهت ساخت طرح‌های راه در خدمت دفاع مقدس، ارسال ماهانه کمک‌های نقدی و اقلام مورد نیاز، انجام صدها طرح تحقیقاتی مورد نیاز جبهه و جنگ و ساخت طرح‌های فنی مهندسی با پیشنهاد و نظارت دکتر چمران از قبیل پل شناور، بر عهده دانشگاه شهید چمران بود.

پس از دستور وزیر فرهنگ و آموزش عالی و تشکیل ستاد امور جنگ دانشگاه‌ها با اهداف مشورت، تصمیم‌گیری و نظارت و هماهنگی در حسن اجرای همکاری دانشگاه در جنگ، اولین نشست معاونت جنگ وزارت در تاریخ ۱۳۶۵/۵/۲۹ در دانشگاه شهید چمران اهواز برگزار شد که از جمله مهم‌ترین مصوبات این نشست می‌توان به اختصاص تمامی امکانات دانشگاه به دفاع مقدس، بسیج، آموزش و اعزام نیروهای رزمی تخصصی به جبهه‌های نبرد، اشاره کرد. در این نشست مقرر شد تمام مراکز تحقیقاتی با امکانات روز جهت انجام امور مورد نیاز و تحقیقات لازم در اختیار جبهه و جنگ قرار گیرند. همچنین انجام چند طرح تحقیقاتی آبی-خاکی از سوی اعضای هیأت علمی، تولید آثار ادبی مانند شعر و نثر و ترجمه اسناد و مدارک از عربی به فارسی و ترجمه اخبار به انگلیسی و همراهی با خبرنگاران خارجی از سوی دانشجویان و اعضای هیأت علمی، چاپ و انتشار اقلام تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی در رابطه با جنگ در اداره چاپ و انتشارات دانشگاه، حضور و استقرار رزمندگان ستاد جنگ‌های نامنظم به فرماندهی شهید دکتر چمران در دانشگاه، همکاری انجمن اسلامی دانشجویان با شهید سیدحسین علم‌الهدی در راه‌اندازی بسیج سپاه پاسداران اهواز از طریق استقرار در مساجد اهواز و تأسیس پایگاه‌های مختلف بسیج در مساجد به عنوان وظایف دانشگاه تعیین شد.

شمار زیادی از دانشجویان و دانش‌آموختگان این دانشگاه تا رده‌های فرماندهی ارتقا یافتند که از جمله این افراد می‌توان به دریادار علی شمخانی، سردار شهید مصدق طاهری، دکتر مهدی بخشنده، دکتر مسعود صفایی‌مقدم، دکتر مهدی قمشی، سردار شهید دکتر مجید بقایی، سردار شهید غلام‌عباس مکوندی و شهید حسین پژوهنده اشاره کرد.

در طول دوران دفاع مقدس حدود ۱۲۰۰ دانشجو از دانشگاه شهید چمران اهواز به جبهه‌ها اعزام شدند که از این تعداد ۷۲ نفر شهید شدند. از حدود ۲۵۰ کارمند دانشگاه نیز که به جبهه رفتند، ۲۵ نفر شهید، سه نفر اسیر و دو نفر جاویدالناظر شدند. همچنین ۹۰ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه در دفاع مقدس شرکت داشتند که از این تعداد سه نفر شهید و دو نفر اسیر شدند.



گفت و گو با دکتر یدالله مهرعلی زاده عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز: همدلی، راز موفقیت در هشت سال دفاع مقدس بود



یادگار: ایستادگی مردم خرمشهر در نخستین روزهای جنگ به عقیده بسیاری، از عوامل اصلی مقاومت دلاور مردان ایرانی در هشت سال دفاع مقدس است؛ نظر شما در این خصوص چیست؟

مهرعلی زاده: بی شک همین طور است. خاطرات جنگ تحمیلی به ویژه مقاومت جانانه مردم خرمشهر در ماه های نخست، با وجود نداشتن امکانات اولیه برای سامان دادن به وضعیت شهر، بسیار وسیع و گسترده است و باید هر ثانیه آن دوران مستندسازی شود. جنگ تحمیلی ابعاد وسیعی دارد و آثار و برکات آن، در صورت تحلیل مناسب، می تواند دستمایه فرهنگی خوبی برای تربیت نسل های آینده کشور باشد. در واقع روز شمار جنگ تحمیلی و شیوه مدیریت جنگ توسط یاران اصیل حضرت امام خمینی (ره) علیرغم همه فشارها و تحریم ها درس های بزرگی برای کشور ما به همراه دارد. در دوران جنگ تحمیلی حضور همه مردم در بخش های مختلف، فارغ از جناح بندی های موجود که متأسفانه امروز در فضای سیاسی کشور باب شده است، رمز موفقیت نظام

و مدیریت کشور در اداره جنگ بود. در مورد جنگ تحمیلی و دلایل شروع جنگ و آسیب هایی که به کشور و مخصوصاً استان خوزستان و شهر خرمشهر وارد شد، نکات بسیاری وجود دارد که پرداختن به همه ی این موارد زمان زیادی نیاز دارد. بررسی این مسئله که چرا و چگونه جنگ شروع شد، بسیار مهم است. موضوع اصلی این است که استکبار و آمریکا و کشورهایایی که شاهد انقلاب ایران بودند به یکباره برای مقابله با این حرکت و نهضت آزادی و محدود کردن پیامدهای آشکار و نهان این نهضت که در خاورمیانه به وجود آمده بود، عملیاتی بر علیه ایران آغاز کردند. روز شمار جنگ تحمیلی دارای نکات بسیار جالبی است که اگر واقع نگاری شود، دارای تجاربی بسیار ارزنده ای است.

یادگار: ۳۱ شهریور سال ۵۹ و اولین حمله هوایی و زمینی عراق به ایران؛ از آن روزها بگویید.

مهرعلی زاده: آخرین روز از شهریور ماه بود. آن زمان در خرمشهر ساکن بودیم. عراق با عملیات توپخانه و بمب های خمسه خمسه به یکباره خرمشهر را زیر فشار قرار داد. البته قبل از این عملیات در منطقه شلمچه نیز عراقی ها تحرکاتی داشتند و مشخص بود در آینده ای نزدیک عملیاتی بر علیه کشورمان خواهند داشت.

یادگار: آیا مسئولان کشور از این تحرکات بی اطلاع بودند؟

مهرعلی زاده: خیر؛ در آن زمان دست اندرکاران و مسئولان استانی این مسئله را به مقامات کشوری اطلاع داده بودند که تحرکاتی در حال انجام است، اما هم مسئولان و هم ما به عنوان شهروندان خوزستانی هرگز تصور نمی کردیم که عراق توان حمله به ایران را داشته باشد. شهر یکباره به هم ریخت، خرمشهر آمادگی ورود به چنین جنگی را نداشت و هیچ گونه تدارکاتی برای مقابله با دشمنان وجود نداشت و امکانات برای مقابله کافی



نبود. مقاومت جانانه مردم موجب شد در روزهای آغازین جنگ دشمن نتواند نقشه های خود را عملی کند. بلافاصله بعد از شروع حملات عراق، بسیج عمومی در شهر شکل گرفت و همه به سمت مساجد رفتند و مسجد جامع مقر اصلی مقاومت مردمی شد. در آن موقع بسیج اقتدار امروز را نداشت و بعدها هم سپاه شکل گرفت و تقویت شد. مردم در مساجد جمع شده بودند و برای مقابله با دشمن خواستار دریافت اسلحه شدند. آن ها که با سلاح آشنایی داشتند به اسلحه «ام یک» مجهز شدند و در ماه نخست شهر با مقاومت مردمی سقوط نکرد و در آن مدت نیمی از مردم، شهر را تخلیه کردند؛ به ویژه زن ها و کودکان از خرمشهر خارج شدند.

یادگار: ارتش عراق در آن دوران مجهزترین سلاح ها را در اختیار داشت؛ مقاومت سخت بود؟

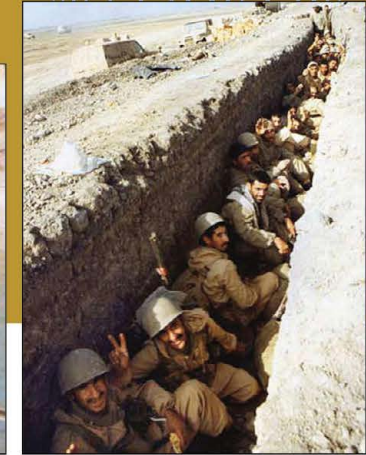
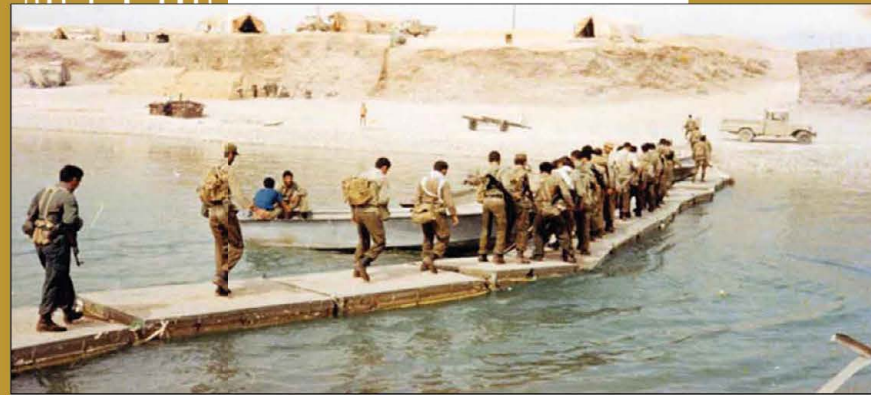
مهرعلی زاده: بله، دشمن به جدیدترین سلاح ها مجهز بود و بعد از مدتی متأسفانه شهر را محاصره کرد و ارتش ایران و گروه های مردمی و سپاه در کوت شیخ خرمشهر مستقر شدند و عملیات نیروهای ایرانی از چند جبهه شروع شد. عراقی ها در همان جا زمین گیر شدند و نیروهای مردمی نیز در منطقه شلمچه مستقر بودند. از سوی دیگر عراقی ها تا نزدیکی اهواز پیشروی کردند، اما در آنجا نیز با مقاومت مردم اهواز و نیروهایی که از سراسر کشور آمده بودند مواجه شدند. عراقی ها تصور می کردند به راحتی می توانند خرمشهر، سپس اهواز و بعد از آن نیز تمام خوزستان را به تصرف خود در آورند، اما با مقاومت مردم نتوانستند این کار را انجام دهند.

(ادامه گفت و گو در صفحه ۱۶)





شخصیت کفایت سیر در شام شهید لیاق کلبه بار



شخصیت کفایت سیر در شام شهید لیاق کلبه بار



شخصیت کفایت سیر در شام شهید لیاق کلبه بار



یادگار: شما چگونه به جبهه رفتید؟

مهرعلی‌زاده: در سال ۶۷ به‌عنوان بسیجی از دانشگاه اصفهان به شلمچه آمدم. در آن سال ارتش و سپاه خیلی قدرت داشتند و در مناطق مختلف استان خوزستان مستقر بود. در سال‌های ۶۶ و ۶۷ جناباتی از سوی کشور عراق و امریکا صورت گرفت که جوامع بین‌المللی نسبت به جنگ تحمیلی بر علیه ایران حساس‌تر شدند. این حوادث شامل حمله شیمیایی عراق به حلبچه و فاجعه حمله موشکی ناو وینسنس امریکا به هواپیمای مسافربری ۶۵۵ ایران در آب‌های خلیج فارس بود که این حادثه موجب کشته شدن ۲۹۰ نفر شد.

یادگار: و پس از این حادثه مسئله پذیرش قطعنامه ۵۸۹ پیش آمد.

مهرعلی‌زاده: تیرماه سال ۱۳۶۷ ما در منطقه عملیاتی شلمچه در واحد توپخانه تیپ ۶۳ حضرت قائم تهران بودیم. علیرغم ارسال نامه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت، به «خاویر پرز دکوتیار» دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، درباره تصمیم جمهوری اسلامی ایران مبنی بر پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و پذیرش آن توسط دولت وقت عراق، صدام حسین با این احساس که ایران در ناتوانی مطلق نظامی است و با تکیه بر پذیرش قطعنامه، تصور تداوم حملات از طرف مقابل را ندارد، اقدام به حملات ناجوانمردانه‌ای کرد تا شاید بتواند اهداف به دست نیامده در هجوم هشت سال گذشته را جبران کند. لذا در محور جنوب کشور حمله سنگین هوایی و زمینی را شروع کرد که هدف اصلی آن تصرف شهر اهواز بود؛ با غافلگیری نیروها در ساعات اولیه حمله، عراق محور خرمشهر- اهواز را تصرف کرد و به سرعت به طرف اهواز پیشروی کرد، اما در کنار مقاومت یگان‌های پراکنده در منطقه و حضور عظیم نیروهای داوطلب که از سراسر ایران به طرف جبهه

جنوب سرازیر شده بودند با شکست بسیار سنگین و دادن تلفات و ضایعات بسیار بالا مجبور به عقب‌نشینی به طرف مرزهای بین‌المللی شد.

یادگار: هم‌زمان با این عملیات، گروهک منافقین هم از کرمانشاه شروع به حمله کردند. چگونه رزمندگان ایرانی توانستند در هر دو محور دشمن را شکست دهند؟

مهرعلی‌زاده: مهم‌ترین رویداد تیرماه سال ۱۳۶۷ عملیات مرصاد بود که توسط منافقین و با حمایت نیروهای بعثی شروع شد. اما با رشادت رزمندگان، این حادثه نیز به نفع ملت ایران به پایان رسید و در کرمانشاه هم نیروهای سازمان مجاهدین خلق شکست سنگینی خوردند. درحالی‌که مسعود رجوی رهبر این گروه اعلام کرده بود در ۴۸ ساعت تهران را اشغال خواهیم کرد و خوشبختانه با همت مردم، ارتش و نیروهای بسیج در مرزهای کشور، عراق به‌عنوان آغازکننده جنگ معرفی و محکوم به پرداخت غرامت به ایران شد.

یادگار: جنگ پس از هشت سال به پایان رسید. امروز کشورمان را چگونه می‌بینید؟

مهرعلی‌زاده: اگر امروز در سرزمینی با صلح و آرامش زندگی می‌کنیم به دلیل خون‌هایی است که بی‌ادعا برای دفاع از خاک میهن به زمین ریخته شد. موقعیتی که امروز در آن قرار داریم، بسیار حساس است و باید هشیار باشیم. اکنون اختلافات سیاسی در کشور وجود دارد، اما نباید به‌جایی برسیم که بار دیگر افرادی که پشت مرزهای ما هستند احساس کنند اختلاف آنقدر عمیق است که می‌توانند از آن استفاده کنند و به خودشان اجازه دخالت فیزیکی و آیین‌نامه‌ای بر علیه ایران را بدهند. جوانان ایرانی با نگرش‌های اجتماعی،

سیاسی و فرهنگی مختلف همواره در تمامی اعصار نشان داده‌اند هر زمان پای خاک میهن در میان باشد، همه برای پاسداری از مرزهای کشور اختلافات را کنار می‌گذارند و یک‌صدا پشت یکدیگر قرار می‌گیرند و این مسئله‌ای است که در کمتر ملتی می‌توان دید.



دکتر حسن دادخواه تهرانی، رئیس کمیته اجرایی شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه: شصتمین سالگرد، فرصتی برای نگاه به دیروز

ارزیابی امروز، برنامه‌ریزی برای فردا

دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی، در مقدمه کتابی نوشته است که «توجه به سرگذشت بزرگان و نامداران یک مملکت، یکی از ضروریات یک جامعه مترقی است، زیرا این کار نه تنها کمک به روشن شدن زوایای تاریک تاریخ آن مملکت خواهد کرد و هویت مملکت را تحکیم خواهد بخشید، بلکه خود یک وسیله و یک مکتب برای پرورش رجال خدوم و درست‌کار آینده خواهد بود.»

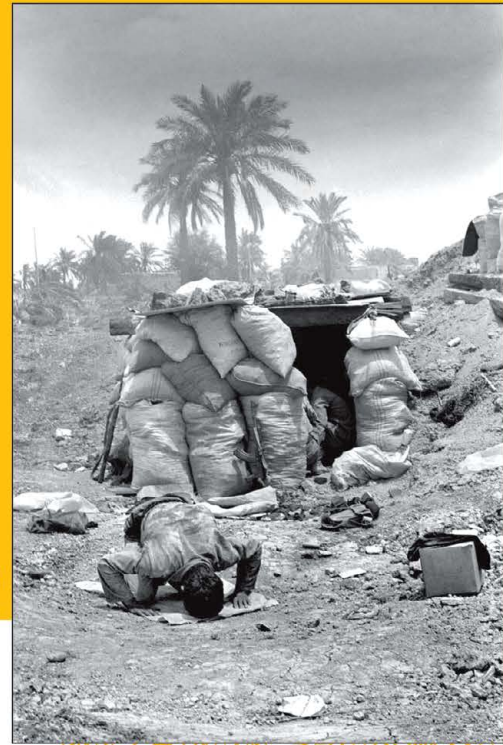
بر پایه این گفتار، می‌توان به اهمیت لزوم شناخت گذشته‌ی هر پدیده‌ی زنده، مانند هر فرد یا یک جامعه یا یک مرکز آموزشی مانند دانشگاه، پی برد. ارتباط با گذشته و شناخت تاریخ می‌تواند ما انسان‌ها را به میراث گران‌قدر و فرهنگ سرشار از ارزش‌ها، آشنا کند. پیوند با گذشته می‌تواند در شکل‌گیری هویت اکنون، ما را کمک کند و دست‌مایه شناخت وضعیت حال و برنامه‌ریزی برای آینده باشد.

جدا شدن از گذشته و بی‌اطلاعی از آنچه بر ما گذشته است موجب می‌گردد تا در حال، سرگردان بمانیم و نتوانیم آینده خویش را ترسیم کنیم و از این رو، پا به آینده‌ای مبهم می‌گذاریم و دیگران برای ما آینده می‌نویسند.

در حواشی برنامه‌های شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه، با تعدادی از اعضای هیئت علمی و کارکنان پیشکسوت دانشگاه تماس گرفته شد. از ایشان خواسته شد تا خاطرات و توصیف‌های خویش از آنچه را که در ذهن دارند، به نگارش درآورده و تاریخ دانشگاه را از حالت شفاهی به نوشتاری درآورند.

هر یک از ساختمان‌ها، ادارات و اقدامات انجام شده در دانشگاه، دارای پیشینه و تاریخی هستند که بخش‌های زیادی از آن تاکنون ناشناخته مانده و بازنشستگان و پیشکسوتان دانشگاه می‌توانند بخش‌های ناشناخته را به نسل کنونی و آینده بشناسانند.

ایده‌ی نگاه به دیروز و ارزیابی امروز و برنامه‌ریزی برای فردا، با همه نواقص آن، ایده‌ای است که به مناسبت آیین شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه، مورد توجه قرار گرفته و امیدواریم تا این رویکرد در آینده مورد توجه همه مدیران دانشگاه باشد.



گفت‌وگو با دکتر مهناز کسمتی، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز:

نقش زنان در بزنگاه‌های تاریخی

سر گذاشته‌ایم که بخش زیادی از آن مربوط به دوران انقلاب و حماسه‌های دفاع مقدس است که سرشار از وقایع و رویدادهای ماندگاری است و بخشی از هویت ملی و اسلامی ما را تشکیل داده است. در یک نگاه کلی، هر جنگ و یا دفاعی یک جبهه و یک پشت جبهه دارد که وجودشان برای مقابله و دفاع لازم است. معمولا در جنگ‌های کلاسیک مدرن و سازمان یافته، جهت دستیابی به موفقیت بیشتر، در جبهه و پشت جبهه از نیروهای آموزش دیده و متبحر استفاده می‌شود. آنچه که اوایل دوران دفاع مقدس اتفاق افتاد این بود که خانه و وطن ما به‌طور بسیار



علمی دانشگاه شهید چمران اهواز که در ادامه می‌خوانید.

یادگار: هشت سال دفاع مقدس زوایای پیدا و پنهانی دارد که در طول سال‌های گذشته به بسیاری از آنها پرداخته شده، اما در نگارش این رویداد کمتر به تأثیر زنان در آن دوران توجه شده است؛ نظر شما چیست؟

کسمتی: بله همین‌طور است. حداقل در یکصد سال اخیر کشورمان وقایع و رویدادهای تاریخی بسیاری را پشت

در سال‌های پس از جنگ تحمیلی، همواره زوایای مختلف آن دوران مورد بررسی و کار کارشناسی قرار گرفته و با روش‌های مختلفی مانند برپایی نشست‌های تخصصی، برگزاری سمینارها، تولید فیلم و نگاشتن کتاب و مقالات تلاش شده شرایط روزهای دفاع مقدس به جامعه امروز معرفی شود؛ اما یکی از مسائلی که در این برهه تاریخی به نوعی کمتر به آن توجه شده، حضور و تأثیر زنان در دوران هشت ساله‌ی دفاع مقدس است.

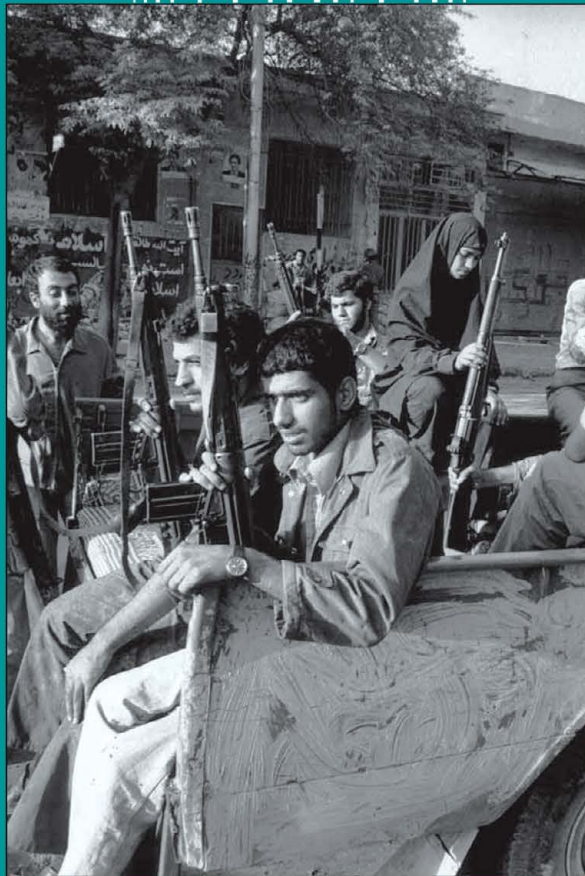
در این خصوص گفت‌وگویی انجام دادیم با دکتر «مهناز کسمتی» عضو هیات

یادگار: بخش قابل توجهی از پرستاری در آن دوران بر عهده زنان بود.

کسمتی: بله. نمی‌توان نقش بی‌بدلیل زنان و دختران بی ادعا را در این عرصه انکار کرد و یا ناچیز شمرد. به عقیده من زنان ایران، چه شهری و چه روستایی، به دو دلیل عمده دلاورانه و خالصانه در دفاع مقدس نقش منحصر به‌فرد خود را ایفا کردند. یکی به‌دلیل عشق و علاقه وافر به امام امت و رهبری خالصانه ایشان بود که موجب شد غرور ملی و اسلامی همه در جهت حفظ کیان و وطن برانگیخته شود و دوم، احساس تعهد و مسئولیت مادرانه و زنانه در راستای حمایت فرزندان و همسران‌شان که خود، آنها را راهی دفاعی نامتوازن کرده بودند، را می‌توان بیان کرد.

یادگار: بی شک شما هم خاطراتی از آن دوران و رشادت‌های زنان ایرانی در مقابله با دشمن دارید.

کسمتی: من به عنوان عضو ناچیزی از خیل زنان و دختران، شاهد بودم که زنان ما چگونه زیر خمپاره‌ها و خمسه خمسه‌های بی‌امان دشمن در اهواز، روزهای پر از دلهره و ترس را پشت سر گذاشتند؛ با این عشق که برادران و پدران خود را که در جبهه جان‌شان را در طبق اخلاص نهاده‌اند، یاری دهند و از این رهگذر دل امام‌مان را شاد کنند. هیچ‌وقت از یاد نمی‌برم که در یکی از حمله‌های دشمن مجروحان زیادی داشتیم و با توجه به کمبود لباس و کفش سربازی جهت افراد تازه نفس، ماموریت داشتیم لباس‌ها و کفش‌های خونین سربازان مجروح که بعضا بر اثر خمپاره آسیب دیده بودند را شسته و خشک کنیم و به جبهه بفرستیم. به خاطر دارم که آن روزها این کار را همه با اشک و آه انجام می‌دادیم. بعضی روزها هم هدایای مردمی



را بسته‌بندی و متناسب با نیاز به جبهه‌ها ارسال می‌کردیم. در حقیقت گوش به‌زنگ بودیم که در جبهه‌ها چه چیزی نیاز است و به سرعت آن را تهیه می‌کردیم. در خرمشهر و آبادان به‌دلیل وخامت اوضاع، در موارد متعددی زنان به کمک مردان می‌رفتند و دست به اسلحه می‌شدند و بسیاری از آنها نیز شهید و یا مجروح شدند. حضور زنان موجب برانگیختن غرور و انگیزه مردان نیز شده بود و همین امر مقاومت و پایداری در مردم را دو چندان می‌کرد.





زنان نسبت به موقعیت‌های متفاوت دوران‌دیش، تیزفهم و حساس هستند...

یادگار: چرا به نقش زنان در دوران دفاع مقدس کمتر پرداخته شده است؟

و تامل بیشتری نیاز داشته باشد، ولی با یک نگاه کلی موضع اخیر وی نگاه منفی گذشته را کم‌رنگ کرد و آنها را در موقعیتی انسان‌دوستانه قرار داد، در حالی که در سایر کشورهای اروپایی که مردان حاکم‌اند، همچنان در حال محاسبه برای چگونگی برخورد با این موضوع هستند.

یادگار: با گذشت سال‌ها از دفاع مقدس، همچنان برخی زنان به عنوان همسر و پرستار به جانبازان دوران دفاع مقدس خدمت می‌کنند. این احساس چگونه در زنان ما شکل گرفت؟

کسمتی: حضور موثر بانوان در بزنگاه‌های تاریخی اگرچه به طور کامل مکتوب نشده، اما همان مقدار اندک حاکی از احساس مسئولیت و دور اندیشی این قشر است. اگر نقش ارزشمند زنان در تاریخ یکصد ساله، مانند نهضت تنباکو، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس وجود نداشت، این موفقیت‌ها حاصل نمی‌شد. بدون هرگونه تعلق خاطر به این قشر به‌خاطر هم جنس بودن، اعتقاد دارم زنان نسبت به موقعیت‌های متفاوت، دوراندیش، تیزفهم و حساس هستند و غرور ملی بسیار قوی دارند، از همین رو تاکنون هر جا احساس کرده‌اند کیان مملکت در خطر است، صادقانه و شجاعانه به میدان آمده‌اند. این یک ویژگی عمومی و خاص زنان کشور ما نیست؛ به عنوان نمونه مساله مهاجران سوری و رفتن آنها به اروپا که یک معضل جدی برای این قاره محسوب می‌شود، برای آلمان که یک کشور با پیشینه نازیسم است، احترام جهانی به همراه داشت و این حاصل تصمیم خانم «مرکل» به عنوان یک خانم موقعیت‌شناس و دور اندیش است. البته شاید این مسئله به تفسیر

یادگار: این سوال برای بانوان وجود دارد که چقدر به رشادت‌ها و از خود گذشتگی‌های این زنان پرداخته شده است؟

کسمتی: جز یکی دو عنوان کتاب که توسط خود خانم‌های آزاده و یا جانباز نوشته شده، اثر دیگری نمی‌توان دید. رنج مادران و همسران عزیز از دست داده را چقدر ترسیم کرده‌ایم؟ متأسفانه تکریم برخی از آنها هم گاهی سلیقه‌ای و یا سیاسی شده و گاهی در دسته‌بندی‌های سیاسی برخی از آنها را نادیده گرفته‌ایم. امروز هرچه داریم حاصل رشادت‌های شهیدان است و بخش زیادی از آن رشادت‌ها نیز حاصل صبر و پایداری این دلاور زنان است که هنوز هم زخم دوری از فرزند و همسرشان را بر قلب دارند. امیدوارم تلاش‌هایی در جهت مطرح کردن و بازخوانی نقش بانوان در دفاع مقدس و یادآوری رشادت‌های صادقانه و خالصانه آنها صورت گیرد.

یادگار: و نکته پایانی...

کسمتی: تاکنون رویکرد مسئولان و برنامه‌ریزان جامعه در جهت استفاده بهینه از این پتانسیل‌ها و نیروهای متعدد و دوراندیش نبوده است. زنان ما همواره نشان داده‌اند که قدرت‌طلب نیستند و متعهدانه و مسئولانه وظایف محوله را انجام می‌دهند. خوشبختانه زنان، سخت‌کوش و دارای پشتکار زیادی هستند که علی‌رغم دور نگه داشتن آنها از مدیریت جامعه، با فعالیت‌های مردمی کاستی‌های حاصل از سوء مدیریت‌ها را به طور نامحسوسی مدیریت می‌کنند. مثلاً با تشکیل گروه‌های خیریه در مدرسه‌سازی و کمک به هم‌نوع، بیشترین خدمت‌رسانی را به جامعه انجام می‌دهند. به ویژه در سال‌های اخیر با حضور قابل توجه در دانشگاه‌ها و ادامه تحصیل، نواقص علمی مراکز مختلف آموزشی و پژوهشی را مرتفع کرده‌اند.

یادی از یاران همیشه جاویدان...

گاهی آدمی را یاری نوشتن نیست، عرصه تنگ می‌شود بر قلم که تن پاک کاغذ و یکرنگی مرکب هم وادارش نمی‌کند به طنز. اما وقتی گل رشادت بر شاخسار درخت آدمیت می‌نشیند ثمرش می‌شود دردانه تاریخ و قلم به رقص می‌آید ناخودآگاه در بزم هنر آدمی.

رشادت اگر به سواد یاری باشد سیم‌تن سرخ‌روی، نهایت می‌شود ثقل محفل نقالان و ثقل مجلس قصه‌پردازان و چون به عشق خاک وطن باشد و مام میهن، آرش، قفنوس‌وار در میان خاکستر جان خویش سر درمی‌آورد، تا جاودانه شود در کتاب‌های کودکان مکتب‌خانه‌ها. آرش نماد انسان ایرانی است که جمله جان است در ره جانان؛ تیر از کمان که رها شد جز جامه‌ای بر جای نماند از آرش و اینک تابوت‌های خالی، جامه‌هایی هستند مانده بر جای از آرش‌های روزگارمان که باید در مکتب‌شان بیاموزیم درس غیرت را. سی و یکم شهریور ۱۳۵۹ ناقوس جنگ نواخته شد از سوی دشمن غدار در آن روز شوم و ما همه سر در گریبان خود بی‌خبر از فتنه‌ای که فتان زمان رقم‌زده

است در دفتر سرنوشت. خرمشهر لقمه‌ای چرب و نرم بود در کناره مرز که ازدهایی گرسنه قصد بلعیدن آن را کرد. در کوتاه زمانی ابر سیاه ترس آمیخته با خشم بر شهر سایه افکند. سالخورده‌های ناتوان و کودکان را جای امن باید و جوانان برومند از زن و مرد را رخت جنگ شاید. در کوچه‌ها جار زده شد:

برخیز که دشمن به دیار آمده امروز ای شیردلان وقت شکار آمده امروز برخیز که از دشمن بیگانه بپرسیم بر خاک دلبران به چه کار آمده امروز

صدای شیون زنان را کسی نشنید، که دفع گلوله را به گلوله توان کرد در منطبق عالم نه به ناله‌ی جانکاه. چشمه‌ی غیرت جوشید، سنگرها بپا شد در کوچه‌های شهر خون. خبر به‌سان باد پیچید در خانه‌های ایرانیان و خیل جوانان که می‌آمدند برای دفاع. یکی در دکان فروبست و دیگری مزرعه را وانهاد و سومین، مدرسه را ترک گفت و به دانشگاه جبهه پا نهاد که درس غیرت بود و آزمون راست‌قامتی. مادر کهن‌سالمان ایران، فرزندان خویش را به یاری طلبید و همه را باور این بود که:

سر که نه در پای عزیزان بود بار گرانی است کشیدن به دوش

دل مادران به دست و اشک‌شان بر گونه، به دنبال جوانانی که با خون‌دل پروریدند و رخت دامادی به تنشان ندیدند، اما چه هنگام حجله‌ی عیش، آنگاه که خاک وطن زیر سم ددان است. الله‌اکبر به مظلومیت علی‌اصغر، الله‌اکبر به ذوالفقار ولی مؤمنین، الله‌اکبر به قهاریت رب العالمین، خون در رگ‌ها به جوش آمد با صدای فرمانده‌ی سپاه مظلومان و سیل جاری شد تا با خود ببرد آلودگی‌ها را از دامن انسان.

نخل‌قامتانی به خون غلتیدند که نخلستان‌ها حسد می‌بردند بر قامت رعناشان تا خرمشهر نصیب صاحبان خود شود دیگربار، و آبادان پیش از آن، چون پهلوانان حلقه‌ی محاصره از هم درید تا به‌جا آورد حق همسایگی خرمشهر را. چه هنگامه‌ای بود دوران عاشقی و با همه درازایش چه زود گذشت تا بازماندگان قافله‌ی عشق را جز افسوس و دروغ نماند بر دل. سال‌ها است که دیگر صدای غرش تانک‌ها و صفیر گلوله‌ها به گوش نمی‌رسد، اما در نیمه‌های شب هنوز صدای هق‌هق مادران چشم‌انتظار است که می‌شکند سکوت شب را و به یادمان می‌آورد که از یاد نبریم یاران همیشه جاوید را...



جنگ تحمیلی؛ از آغاز تا پایان

۳۱ شهریور ۱۳۵۹ بود که با حمله هوایی و تعرض زمینی ارتش بعث عراق به شهرهای غرب و جنوب ایران، جنگ هشت ساله‌ی حکومت صدام حسین علیه ایران آغاز شد. این جنگ ۱۹ ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و چند روز پس از آن اتفاق افتاد که صدام پیمان الجزایر را در برابر دوربین‌های تلویزیون بغداد پاره کرد. صدام در نطقی با تأکید بر مالکیت مطلق کشورش بر اروندرود (که وی آن را شط‌العرب نامید) و ادعای تعلق جزایر ایران به اعراب، جنگ را در زمین، هوا و دریا علیه ایران آغاز کرد.

در آن دوران مردم ایران به نوعی دوران نفاقت پس از انقلاب را می‌گذراندند و به بازسازی کشور و آرامش و سازندگی می‌اندیشیدند و نیروهای مسلح نیز به دلیل آن که انتظار جنگ را نداشتند، از آمادگی چندانی برای روبرویی در یک نبرد بزرگ برخوردار نبودند، از این رو نظامیان عراقی در ماه‌های نخست پس از شروع حمله، موفق شدند چند شهر مرزی ایران را در غرب و جنوب تصرف کنند.

در آن زمان صدام حسین پیش از صدور فرمان حمله به ایران، موضوع اختلافات مرزی را دلیل وقوع جنگ عنوان کرد، اما او نیز می‌دانست این جنگ نقشه‌ای برنامه‌ریزی شده، هدفمند و فرامنطقه‌ای است. جمهوری اسلامی ایران در طول یک سال و چند ماه قبل از وقوع جنگ تحمیلی، با فشارهای برون مرزی متعددی از جمله جنگ تبلیغاتی، سیاسی روانی، محاصره اقتصادی، بلوکه کردن دارایی‌های ایران، تهدیدات نظامی (مداخله نظامی در طیس و ...)، تحریف ماهیت انقلاب اسلامی در عرصه بین‌المللی، دامن زدن به تروریسم و ناامنی داخلی و حمایت از آن مواجه بود. از سوی دیگر صدام از تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان عراق نگران بود. صدام همان‌گونه که خود و دولتمردانش به دفعات اعلام کردند، از پیمان الجزیره ناراضی بوده و در پی فرصتی برای لغو آن و حل یکسره اختلافات مرزی دو کشور مطابق میل خود بود.

صدام که به نیت مبارزه با جمهوری اسلامی ایران و در پی کودتا در عراق به قدرت رسیده بود، از ابتدا تمامی راه‌های ممکن برای به زانو درآوردن انقلاب اسلامی را امتحان کرد، از این رو هجوم نظامیان عراق به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، تعجب هیچ یک از محافل سیاسی مطلع جهان را در پی نداشت، چرا که از تمامی اقدامات یک‌ساله صدام، بوی جنگ به مشام می‌رسید.

دولت‌مردان عراقی از همان ابتدای تجاوزشان تمامی توان سیاسی، نظامی و تبلیغی خود را برای به زانو درآوردن انقلاب اسلامی ایران به کار بستند. در جبهه سیاسی، هیأت‌های بسیاری را روانه کشورهای اروپایی، آفریقایی و آسیایی کردند و در این مأموریت‌ها تلاش داشتند تا اهداف و مقاصد خود در تحمیل جنگ به جمهوری اسلامی ایران را نزد جهانیان توجیه کنند.

بغداد در خلال جنگ تحمیلی، از شبکه‌های بمب‌گذار در داخل کشور و در رأس آنها از سازمان مجاهدین خلق (منافقین) حمایت کرد. منافقین که در فرانسه و بعد در عراق مستقر شدند با سکوت یا حمایت دولت‌های میزبان، بسیاری از اقدامات تروریستی علیه مسئولان و افراد عادی کوچک و بازار ایران

را در خلال جنگ تحمیلی هدایت کردند. ترور مردم عامی و مسئولان نظام، در پاریس و بغداد طراحی و برنامه‌ریزی می‌شد و در شهرهای مختلف ایران به اجرا در می‌آمد. هفتم تیر و شهادت آیت‌الله بهشتی و ۷۲ نفر از مسؤولان، هشتم شهریور و شهادت رئیس‌جمهور رجایی و نخست‌وزیر باهنر، شهادت امامان جمعه، ترور مستمر مردم عادی از قبیل کاسب، دانش‌آموز، روحانی و غیره از جمله اقدامات تروریست‌های داخلی تحت الحمایه دولت عراق در خلال هشت سال جنگ تحمیلی بود.

در خلال جنگ تحمیلی، عراق از حمایت بی‌دریغ تسلیحاتی، مالی و سیاسی بین‌المللی برخوردار بود و این روند موجب شد که حکومت بعث نه تنها به پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی در زمینه‌های جنگ هوایی و زمینی دست یابد، بلکه کارخانه‌های جنگ‌افزارسازی متعددی با همکاری کشورهای مختلف به صورت آشکار و نهان برپا ساخت، به طوری که طبق گزارش مؤسسات بین‌المللی، در پایان جنگ، عراق پنجمین قدرت نظامی جهان شد.

اما ایمان و اعتقاد راسخ رزمندگان ایران به حقانیت انقلاب اسلامی و موج عظیم مردمی که در قالب «بسج» برای دفاع از کیان نظام جمهوری اسلامی ایران طی هشت سال به صورت مداوم حضور خود در جبهه را حفظ کردند، بزرگ‌ترین سرمایه انقلاب و نظام بود و مهمترین نقش را در توقف ماشین جنگی عراق بر عهده داشت. در بررسی عوامل شکست عراق در

دستیابی به اهداف اعلام شده‌اش، علاوه بر ایمان و اعتقاد رزمندگان ایرانی، عوامل دیگر از قبیل ناامیدی حامیان صدام از سقوط جمهوری اسلامی، مردمی شدن جنگ و سرانجام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب ایران نیز بی‌تأثیر نبود. نتیجه آن شد که عراقی‌ها هشت سال پس از شروع جنگ در همان نقطه اولیه آغاز قرار داشتند.

«خاویر پرز دکوئیار» - دبیرکل وقت سازمان ملل - نیز در خاتمه جنگ، با انتشار بیانیه‌ای رسماً از عراق به عنوان «شروع کننده جنگ» نام برد. این بیانیه نیز سندی از مجموعه اسناد حقانیت جمهوری اسلامی ایران در جنگ بود. در خلال این جنگ هیأت‌های متعدد صلح از سوی سازمان ملل، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب و جنبش عدم تعهد برای میانجی‌گیری به تهران و بغداد سفر کردند که داورى آنها به دلیل آن‌که فاقد اصل بی‌طرفی و گاهی عاری از عدالت و صداقت بود، به نتیجه‌ای نرسید. قطعنامه‌های منتشره از سوی شورای امنیت سازمان ملل نیز به استثنای قطعنامه‌ی هفتم - قطعنامه ۵۹۸ - که در تیر ۱۳۶۶ به تصویب رسید، جانب انصاف و عدالت را رعایت نکرده بود.

قطعنامه ۵۹۸ نیز عاری از اشکال نبود، اما نسبت به سایر قطعنامه‌های منتشره، مواضع بی‌طرفانه‌تری داشت و جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم بی‌میلی اولیه سرانجام در تیرماه ۱۳۶۷ آن را پذیرفت. روز ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ از سوی سازمان ملل آتش‌بس اعلام و به تدریج آتش

جنگ در جبهه‌ها خاموش شد. با این همه هنوز اکثر بندهای قطعنامه ۵۹۸ اجرا نشده است.

امام خمینی (ره) در قسمتی از پیام‌شان در خصوص قطعنامه ۵۹۸ و شرایط سیاسی آن روز بیان کردند: «من با توجه به نظر تمام کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور که به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گوارتر بود. خوشا به حال شما ملت، خوشا به حال شما زنان و مردان، خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده‌های معظم شهدا و بدا به حال من که هنوز مانده‌ام و جام زهر آلود قبول قطعنامه را سرکشیده‌ام و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می‌کنم؛ و بدا به حال آنان که در این قافله نبودند، بدا به حال آنهایی که از کنار این معرکه بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت، بی تفاوت و یا انتقاد کننده و پرخاشگر گذشتند»

به این ترتیب جنگی که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ توسط همه ظالمان جهان و به دست صدام بعثی به جمهوری اسلامی ایران تحمیل شد، بدون دستیابی آنان به اهدافشان، در تابستان ۱۳۶۷ به پایان رسید.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران





بهمن شهریاری

مسئول بسیج دانشجویی استان خوزستان: همدلی رمز موفقیت ایرانیان در هشت سال دفاع مقدس بود...

دانشگاهی با ۷۲ شهید

«فضیلت زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا کمتر از شهادت نیست.»

مقام معظم رهبری

دانشگاه شهید چمران اهواز که پیش از شهادت این سردار جنگ‌ها نامنظم، جندی‌شاپور نامیده می‌شد، در هشت سال دفاع مقدس و پیش از آن در دوران انقلاب اسلامی خدمات ارزنده‌ای به پیش‌گامان دفاع از خاک و جان و مال مردم ایران ارائه کرد. در این سال‌ها دانشگاه شهید چمران به مقر نیروهای بسیجی و گروه‌های عملیاتی تبدیل شد و بسیاری از گردان‌های نظامی در این دانشگاه مستقر بود.

دانشجویان این دانشگاه نیز کلاس‌های درس را رها کردند و در رکاب دیگر رزمندگان، راهی جبهه‌ها شدند. دانشگاه شهید چمران در دوران دفاع مقدس ۷۲ شهید را تقدیم کرد که ۱۱ نفر از این تعداد دانشجوی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، شش نفر دانشجوی دانشکده‌ی اقتصاد و علوم اجتماعی، شش نفر دانشجوی دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی، دو نفر دانشجوی دانشکده‌ی تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، سه نفر دانشجوی دانشکده‌ی دامپزشکی، ۱۶ نفر دانشجوی دانشکده‌ی علوم پایه، چهار نفر دانشجوی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، هفت نفر دانشجوی دانشکده‌ی ریاضی و علوم کامپیوتر، هفت نفر دانشجوی دانشکده‌ی فنی و مهندسی و ۱۰ نفر دانشجوی دانشکده‌ی کشاورزی و علوم آب بوده‌اند.

آنچه موجب شد که دفاع هشت‌ساله مردم ایران در مقابل دشمن بعثی، مقدس شود، همدلی همه‌ی اقشار مردم برای دفاع از خاک کشور بود. بسیاری از کشورهای جهان تجربه‌ی سال‌ها جنگ را داشته‌اند، اما بی‌شک هیچ‌کدام از این جنگ‌ها، به جنگ تحمیلی بر علیه ایران شباهت ندارد. رشادت جوانان، وجه تمایز دفاع مقدس با جنگ‌های سایر کشورها است.

جنگ تحمیلی در ایران بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی روی داد و این در حالی بود که کشور هنوز ساختاری قوی نداشت. در روزهای نخستین جنگ، این مردم بودند که نقشی موثر در مقاومت ایفا کردند و امروز نیز مردم همچنان با همان استقامت پشت نظام جمهوری اسلامی ایران ایستاده‌اند.

امروز صحنه جنگ تغییر کرده است. در دوران جنگ تحمیلی می‌دانستیم با چه کسانی می‌جنگیم و رزمندگان با رشادت در جبهه‌ها حضور می‌یافتند و به فیض شهادت نائل می‌شدند؛ و امروز دشمنان در حال برنامه‌ریزی برای کم‌رنگ کردن این رشادت‌ها هستند و ما نیز باید هوشیار باشیم.



آیین آغاز سال تحصیلی و گرامی‌داشت هفته دفاع مقدس

استاندار خوزستان:
دانشگاه شهید چمران میراث
علمی استان است

آیین آغاز سال تحصیلی و گرامی‌داشت هفته دفاع مقدس با حضور استاندار خوزستان و جمعی از مدیران، استادان، دانشجویان و دانشگاهیان شهید چمران برگزار شد.

به گزارش خبرنگار «یادگار»، استاندار خوزستان در این آیین با تأکید بر این‌که دانشگاه شهید چمران میراث علمی استان است، گفت: این دانشگاه همیشه هدایت‌کننده بسیاری از جریان‌های اجتماعی و فرهنگی بوده است.

عبدالحسن مقتدایی که در دانشکده‌ی علوم و در میان دانشگاهیان شهید چمران سخن می‌گفت، ادامه داد: پیش از انقلاب، اگر حرکتی از سوی دانشجویان در دانشگاه شکل می‌گرفت، تأثیری مستقیم بر جامعه داشت، زیرا دانشجویان و استادان دانشگاه‌ها ارتباطی تنگاتنگ با مردم داشتند. امروز بینش سیاسی و فرهنگی جامعه نسبت به مسایل روز کشور و جهان افزایش یافته و به تبع آن، دانشگاهیان نیز باید ارتباط بیشتری با بطن جامعه داشته باشند.

مقتدایی گفت: پس از انقلاب اسلامی با تلاش جوانان ایرانی، کشور در بخش‌های مختلف مانند پزشکی، صنعتی، کشاورزی، هسته‌ای و سایر بخش‌ها پیشرفت چشم‌گیری داشته و باید از ظرفیت دانشگاه‌ها برای شکوفایی هرچه بیشتر استفاده کرد. دانشگاه شهید چمران نیز توانمندی‌های علمی و پژوهشی بسیاری دارد و می‌تواند در همه‌ی بخش‌ها به توسعه و آبادانی استان و کشور کمک کند. همچنین این دانشگاه علاوه بر کمک به توسعه استان، در زمان‌ها و حوادث مختلف تأثیرگذاری فرهنگی و اجتماعی نیز بر جامعه داشته است.

استاندار خوزستان با اشاره به تقارن هفته‌ی دفاع مقدس و آغاز سال تحصیلی، تصریح کرد: دوران دفاع مقدس بخش جاودان تاریخ کشور است و

حضور همه‌ی اقشار در دفاع از خاک وطن، مهم‌ترین علت جاودانه شدن این دوران است. بسیاری از اقداماتی که در روزهای نخست جنگ انجام می‌شد، پایه و اساسی عاطفی و احساسی داشت، ولی زمانی که علم و دانش جوانان این مرز و بوم برای دفاع از میهن در کنار احساس پاک مردم قرار گرفت، پیروزی حاصل شد.



دانشگاه آغاز کرده‌اند. در سال تحصیلی گذشته نیز دو هزار و ۸۶۰ دانشجو در مقاطع مختلف فارغ‌التحصیل شده‌اند. رعایایی گفت: دانشگاه شامل ۱۴ دانشکده است که ۱۶ هزار دانشجو در این دانشکده‌ها مشغول به تحصیل هستند. ۵۱۷ عضو هیأت‌علمی نیز در ۵۶ رشته کارشناسی، ۱۲۲ رشته کارشناسی ارشد و ۵۹ رشته دکتری در حال تدریس هستند. وی با اشاره به تعداد دانشجویان خارجی، افزود: تاکنون ۷۰ دانشجوی خارجی در این دانشگاه جذب شده که ۳۰ نفر در حال تحصیل در رشته‌ی زبان فارسی هستند.

رعایایی با اشاره به نقش دانشگاه در دوران دفاع مقدس، تصریح کرد: دانشگاه در دوران دفاع مقدس به لحاظ اختصاصی فضا و تجهیزات به رزمندگان خدمات بسیاری ارائه کرد و شهید دکتر مصطفی چمران، سردار جنگ‌های نامنظم، در آن سال‌ها به همراه نیروهای خود در دانشکده‌ی کشاورزی این دانشگاه حضور داشت و امروز نیز نام آن شهید بزرگوار بر تارک دانشگاه می‌درخشد. به گزارش یادگار، در پایان این آیین، نمایشگاه عکس «حماسه‌های همیشه» با حضور استاندار در سرسرای دانشکده‌ی علوم گشایش یافت. در این نمایشگاه ۳۰ قطعه عکس متعلق به عکاسان دفاع مقدس در معرض دید دانشجویان قرار گرفت.

وی گفت: بسیاری از استادان امروز، دانشجویان دیروز همین دانشگاه هستند که در حوزه فعالیت خود افرادی کارواند و به همین دلیل می‌توانند مشاورانی توانا باشند. همه‌ی مدیران در هر جایگاه مدیریتی نیز به مشورت با افراد صاحب نظر نیاز دارند و بهتر است این مشاوره‌ها از سوی افراد علمی و دانشگاهی ارائه شود.

استاندار خوزستان خطاب به دانشجویان ورودی جدید دانشگاه بیان کرد: در این دانشگاه که امسال نیز شصت‌مین سالگرد تأسیس آن را سپری می‌کنیم، افرادی مشغول تعلیم و آموزش هستند که از نظر علمی در ردیف استادان برتر کشور محسوب می‌شوند و شما دانشجویان باید از تجربه‌های این افراد به بهترین شکل استفاده کنید. همچنین دکتر محمد رعایایی، سرپرست دانشگاه نیز در این آیین گفت: سه هزار و ۵۲۰ دانشجو در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری سال تحصیلی جدید را در دانشگاه شهید چمران اهواز آغاز کرده‌اند.

وی افزود: امسال یک‌هزار و ۹۴۰ دانشجو در مقطع کارشناسی، یک‌هزار و ۷۶ دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد و ۹۱ دانشجو استعداد درخشان، ۱۶۳ دانشجو در مقطع دکتری و ۲۵۰ دانشجو میهمان سال تحصیلی را در این



یادگار

Y A D E G A R

وبهنامی ششمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز

شماره پنجم / مهر ۱۳۹۴

شعبه نشریات
دانشگاه شهید چمران اهواز



دانشگاه شهید چمران اهواز
روابط عمومی

صاحب امتیاز:
روابط عمومی دانشگاه شهید چمران اهواز
مدیر مسئول: محمد رعایایی اردکانی
سر دبیر: ندا شقیعی
مدیر اجرایی و دبیر تحریریه:
محمد امین صالحی نژاد
مشاور: علی یاری
شورای نویسندگان: فاطمه کریمزاده
سید مصطفی عالمزاده، فرشید میرابی
مدیر هنری و تصویرگر جلد:
محمد عدیلی پور
گرافیک و صفحه آرایی:
گروه تبلیغات سورنا

